

## سیره رفتاری حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها

گاهی شکوه بانوی بزرگ جهان، چنان دل و جان را لبریز می سازد که توان سخن گفتن را از انسان می گیرد.



گاهی شکوه بانوی بزرگ جهان، چنان دل و جان را لبریز می سازد که توان سخن گفتن را از انسان می گیرد. جایگاه رفیع فاطمه اطهر علیها السلام خیره کننده دیدگان هر بیناست. باری! برخی در شناختن و شناساندن این بانو، که مادر عصمت و آینه عفاف است، به دامن روایات و آیاتی پناه می برند که گویای شأن والای اوست.

در شأن فاطمه علیها السلام آیات بسیاری نازل گشته و روایات نیز همچون دریایی موج و متلاطم طراوت بخش ساحل اندیشه ها و کرانه های معرفت است. اما در این میان، راه دیگری نیز وجود دارد که ما را با ژرفای کمالات و جلوه فضیلت های این بانو آشنا می سازد، آن هم نگرستن به سیره عملی و شیوه رفتاری آن بزرگوار است.

در واقع، زندگینامه زیبا و پرنکته و آموزنده او در ابعاد گونه گون، آینه ای است که نوری از بزرگی ها و فضیلت های او را بر رواق دلمان می تاباند و شبستان جان را همچون روز، روشن می سازد.

نگارنده در این نوشته مروری دارد بر چند فراز برجسته از زندگی حضرت زهرا علیها السلام که بیشتر کاربردی و عملی است؛ چرا که فاطمه علیها السلام «اسوه» و «الگو» است.

پس شایسته است که در بند بند این بخش های نورانی از حیات فاطمه علیها السلام، به دقت بنگریم و با نگرشی جامع درس هایی را که از این نمونه ها می آموزیم، در کلاس زندگی به کار بندیم.

### 1. معنویت در خانه فاطمه علیها السلام

زندگی حضرت فاطمه علیها السلام سراسر نور و پر از معنویت بود. او توانست در خانه کوچک خود، با تمام مشکلات، به عرفان کامل برسد. وی به جایی رسید که جبرئیل امین بر او نازل می شد.

فاطمه علیها السلام عاشق عبادت بود. او در تسلیم و اطاعت و در استقبال از عبادت، چنان به پیش رفت که حتی سلامت خویش را از یاد بُرد.

امام باقر علیه السلام در شأن عبادت او فرمود: «كَانَتْ تَقُومُ حَتَّى تَوَرَّمَ قَدَمَاهَا»

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به او فرمود: «دخترم از خدا چیزی بخواه که جبرئیل از جانب خدا وعده اجابت داده است.» فاطمه علیها السلام عرض کرد: «حاجتی جز توفیق در بندگی خدا ندارم. آرزویم این است ناظر جمال او باشم و به وجه کریمش نظاره کنم» و خود در مناجاتش می فرمود: «أَسْأَلُكَ لَدَّةَ النَّظَرِ إِلَيَّ وَجْهَكَ».

همسر و فرزندان او، عاشق معبود یگانه بودند. خانه ای که پر از نور و نماز و قرآن و عبادت است، ارزشمند است.

حضرت علی علیه السلام و فاطمه زهرا علیها السلام هر دو عاشقانه و خالصانه عبادت می کردند. این طور نبود که فقط علی علیه السلام در نماز غرق شود؛ بلکه فاطمه زهرا علیها السلام نیز چنان در محراب به عبادت می ایستاد که از شدت ترس، تَقَسُّس به شماره می افتاد.

امروز باید زن و مرد به این زوج ملکوتی اقتدا کنند و هر دو به معراج عرفان، معنویت و سیر و سلوک برسند.

علامه مجلسی قدس سره در مورد خانه علی و فاطمه علیهما السلام از انس بن مالک، و بُریره نقل می کند: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم این آیه شریفه را خواند: «فِي بُيُوتٍ أَذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ»<sup>1</sup>؛ در خانه هایی (مانند معابد، مساجد و منازل انبیا و اولیا) خدا رخصت داده که آنجا رفعت یابد و در آن، ذکر نام خدا شود و صبح و شام تسبیح و تنزیه ذات پاک او کنند. مردی برخاست و سؤال کرد: ای رسول خدا! این خانه ها کدامند؟

حضرت فرمود: خانه های انبیا. سپس ابوبکر برخاست و پرسید: ای رسول خدا! آیا این خانه (اشاره به خانه علی و فاطمه) نیز از همان خانه هاست؟ حضرت فرمود: آری و از برترین آنان است.

ابن عباس می گوید: در مسجد پیامبر بودیم که یکی از قاریان قرآن آیه «فَی بیوتِ اِذِنَ اللّٰهُ...» را تلاوت کرد. پرسیدم: ای رسول خدا! این خانه ها کدام خانه ها هستند؟ حضرت فرمود: خانه های انبیا. و سپس با دست خویش به خانه فاطمه زهرا علیها السلام اشاره کرد.<sup>2</sup>

## 2. ایمان فاطمه علیها السلام

امام باقر علیه السلام می فرماید: روزی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم سلمان را برای رساندن پیامی به خانه فاطمه علیها السلام فرستاد. سلمان می گوید: سپس از درنگ کوتاهی در پشت درخانه آن حضرت، سلام گفتم، صدای فاطمه علیها السلام را از داخل خانه شنیدم که قرآن می خواند و در بیرون اتاق، دستاس در حال چرخیدن بود. ماجرا را به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم خبر دادم. آن حضرت تبسمی کرده و فرمود: «یا سلمان! اِنَّ ابْنَتِی فاطمةَ مَلَاءَ اللّٰهُ قَلْبَها و جَوَارِحَها الی مشایشها...؛ ای سلمان! خداوند قلب، اعضا و جوارح دخترم فاطمه را تا فرق سرش مملو از ایمان کرده است. دخترم خود را در اطاعت و عبادت خدا قرار داده. پس خداوند فرشته ای را به نام زوقایل (جبرئیل) فرستاده تا به جای او دستاس را بگرداند.»<sup>3</sup>

## 3. در محراب عبادت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: دخترم فاطمه، سرور زنان جهان از اوّلین و آخرین است. هنگامی که او در محراب عبادت می ایستد، هفتاد هزار فرشته از فرشتگان مقرّبین بر او سلام گفته و همان ندایی را که به مریم می گفتند، به فاطمه علیها السلام می گویند که: «اِنَّ اللّٰهَ اصْطَفَاکَ و طَهَّرَکَ و اصْطَفَاکَ علی نِساءِ العالمین»<sup>4</sup> حسن بصری (زاهد معروف) می گوید: «لم یکن فی الامّة اَزْهَد و لا اَعْبَدَ مِنْ فاطمةَ...؛ در امت اسلام عابدتر از فاطمه علیها السلام نبود. وی آنقدر نماز می خواند و عبادت می کرد که دو پای مبارکش ورم می نمود.»<sup>5</sup>

## 4. فاطمه علیها السلام و مائده آسمانی

حضرت فاطمه علیها السلام به نماز، علاقه فراوانی داشت و هرگاه حاجتی داشت، به نماز متوسّل می شد. سه روز بود که در خانه علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام غذا یافت نمی شد و آنان این مدت را بدون غذا سپری کردند. علی علیه السلام وارد منزل شد در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نشسته و فاطمه علیها السلام نماز می خواند و بین این دو نفر ظرفی سرپوشیده بود.

وقتی فاطمه علیها السلام از نماز فارغ شد، سرپوش را از آن ظرف برداشت اما ظرف مملو از نان و گوشت بود. علی علیه السلام فرمود: ای فاطمه! این از کجا برایت رسیده؟ گفت: از جانب خدا نازل شده است. خداوند به هر که بخواهد، روزی می دهد. رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: آیا می خواهید نظیر این را برای شما نقل کنم؟ گفتند: بله، ای رسول خدا! فرمود: ای علی! مثل شما مثل زکریاست که هر وقت بر حضرت مریم علیها السلام وارد می شد، می دید که در محراب عبادت است و در نزد وی خوراک نهاده شده است.

زکریا می فرمود: ای مریم! این از کجا آمده است؟ مریم در جواب می گفت: از جانب خدا! خدا هرکس را که بخواهد، روزی می دهد. آن گاه آن غذا را یک ماه خوردند و آن کاسه همان ظرفی است که حضرت مهدی «قائم آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم» در آن غذا می خورد.<sup>6</sup>

## 5. حضرت زهرا علیها السلام و ترس از قیامت

حضرت زهرا علیها السلام به شدّت از روز قیامت و سختی آن نگران بود. او از پدرش رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم درباره چگونگی زنده شدن و احوال قیامت سؤالات بسیاری می نمود.

علامه مجلسی قدس سره می نویسد:

هنگامی که آیه «وَ اِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ اِجمَعین لها سبعةً ابوابٍ لِکُلِّ بابٍ مِنْهُمُ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ»<sup>7</sup> بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نازل شد، آن حضرت به شدّت گریست و بارانش نیز با گریه آن حضرت، گریه کردند؛ اما کسی نمی دانست که پیامبر چرا می گرید و جبرئیل چه چیزی را بر او نازل کرده که باعث گریه فراوان پیامبر شده است. از طرفی، هیچ کس یارای سخن گفتن با آن حضرت را نداشت.

اصحاب چون می دانستند وقتی پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نگاهش به فاطمه علیها السلام می افتد، شاد می

گردد، فردی را به خانه فاطمه علیهاالسلام فرستادند تا وی را از این ماجرا و گریه پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم باخبر سازد. دختر رسول خدا با شنیدن این خبر برآشفست و خانه را به قصد مسجد و دیدار پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ترک گفت.

هنگامی که فاطمه علیهاالسلام نزد پیامبر آمد، فرمود: «پدرجان! جانم فدایت باد! چه چیز تو را به گریه درآورده است؟!». پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آنچه را که جبرئیل بر او نازل کرده بود، بر دخترش تلاوت کرد. فاطمه علیهاالسلام از شدت ترس و وحشت، با صورت بر زمین افتاد، در حالی که می فرمود: «الْوَيْلُ وَ ثُمَّ الْوَيْلُ لِمَنْ دَخَلَ فِي النَّارِ؛ وای، پس وای بر کسی که وارد دوزخ شود!»

علی علیه السلام دست بر سر می گذاشت و فریاد می زد: «وَا بُعْدَ سَقَرَاهُ وَاقِلَّةُ زَادَاهُ فِي سَقَرِ الْقِيَامَةِ؛ وای از دوری سفر، وای از کمی توشه راه سفر قیامت!»

#### 6. انس با قرآن کریم

توجه ویژه حضرت زهرا علیهاالسلام به قرآن کریم، درس دیگری به شیفتگان این کتاب آسمانی می دهد. حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: «خَبِّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثَ، تِلَاوَتُ كِتَابِ اللَّهِ، وَالتَّطَرُّعُ فِي وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ وَالْإِنْفَاقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ سه چیز از دنیای شما را دوست دارم: تلاوت قرآن کریم، نگاه به چهره مقدس پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم؛ انفاق در راه خدا.»<sup>8</sup>

فاطمه زهرا علیهاالسلام، با قرآن مأنوس بود و پیوسته از خانه کوچکش آوازی خوش قرآن به گوش می رسید. گفته های یاران و اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم مؤید این سیره و شیوه آن بانوی با عظمت است.

حضرت فاطمه علیهاالسلام به قرآن اهمیت می داد به گونه ای که وصیت کرد در شب اول قبر، علی علیه السلام بر مزارش بسیار قرآن بخواند. حتی خادمه اش فضّه نیز تا بیست سال به غیر قرآن لب نگشود و جز با قرآن پاسخ نداد.

#### 7. دعا برای دیگران

فاطمه علیهاالسلام چگونه سخن گفتن با خدا و دعا کردن را به آیندگان آموخت. او در دعا نیز همه را بر خود مقدم می داشت.

امام حسن علیه السلام می فرماید:

مادرم فاطمه علیهاالسلام را در شب جمعه ای دیدم که پیوسته در حال رکوع و سجود بود تا این که صبح دمید و شنیدم که مردان و زنان با ایمان را نام می بُرد و بسیار برای آنان دعا می کرد؛ اما ندیدم حتی یک بار برای خود دعا کند. از روی تعجب گفتم: مادر! چرا برای خود دعا نمی کنی و از خدا چیزی نمی خواهی؛ همان گونه که برای دیگران دعا می کنی؟ مادرم در پاسخ فرمود: «يَا بُنَيَّ! الْجَارُ ثُمَّ الدَّارُ؛ فرزندم! اول همسایه سپس اهل خانه.»<sup>9</sup>

#### 8. احترام به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم

هنگامی که آیه «لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا»<sup>10</sup> بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نازل گشت؛ حضرت فاطمه علیهاالسلام پدر را «رسول الله» خطاب کرد.

امام حسین علیه السلام از مادرش فاطمه زهرا علیهاالسلام نقل می کند:

از آن روزی که این آیه بر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نازل شد، هیبت آن حضرت، مانع شد که او را «پدر» خطاب کنم، از این رو می گفتم: یا رسول الله. چون پیامبر چنین دید، فرمود: «دخترم! این آیه درباره تو و اهل بیت تو نازل نشده است؛ زیرا تو از من هستی و من از تو. تو مرا پدر خطاب کن. دخترم! این آیه درباره مُستکبران نازل گشته که احترام مرا نگه نمی دارند. پدر گفتن تو برای آرامش قلب من بهتر و به خشنودی خداوند نزدیک تر است.»

سپس پیشانی مرا بوسید و مقداری از آب دهان خود را به [صورت] من کشید که از آن پس هرگز نیاز به عطر پیدا نکردم.<sup>11</sup>

«ادب» نمودار شخصیت انسان و بزرگ ترین سرمایه است. علی علیه السلام فرمود: «لَا مِيرَاثَ كَالْأَدَبِ؛ هیچ ارثی گران بهاتر از ادب نیست.»

ادب، سیره رایج بین این دختر و پدر بزرگوارش بود. هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم نزد فاطمه علیها السلام می رفت، او بر می خاست و پدر را می بوسید و او را در جای خود می نشانید. البته رسول خدا هم به فاطمه اش عنایت ویژه داشت؛ چرا که وی کوثر الهی بود که به او کرامت شده است.

#### 9. سبقت گرفتن در سلام

آن حضرت به پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم به سلام کردن بسیار اهمیت می داد. در روایت آمده است که شخصی گفت: نزد حضرت فاطمه علیه السلام آمدم، تا مرا دید، سلام کرد و در این امر نیکو بر من پیشی گرفت. سپس فرمود: چه چیز تو را به اینجا آورده است؟ عرض کردم: به جهت به دست آوردن خیر و برکت. فاطمه علیها السلام فرمود: پدرم مرا خبر داد که هرکس سه روز نزد من و یا پدرم آید و سلام کند، خداوند بهشت را بر وی واجب می گرداند. 12

#### 10. تحمل سختی ها

در روزهای نخست شکل گیری حکومت اسلامی در مدینه، مسلمانان با مشکلات بسیاری مواجه بودند. بسیاری از مهاجران و انصار، با تنگدستی روزگار می گذراندند. در این حال علی علیه السلام نیز همانند سایر مسلمانان زندگی می کرد و هنگام توانمندی، دیگران را برخود مقدم می داشت.

تا چند سال، وضع به همین منوال سپری شد. علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام در خانه زیراندازی جز یک پوست گوسفند نداشتند. فاطمه علیها السلام صبر کرد و سختی های زندگی را به خاطر رضای خدا و خشنودی پدر و شوهر خویش تحمل نمود.

پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ضمن باخبر بودن از وضع زندگی علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام، پیوسته دختر خود را به صبر و شکیبایی در برابر مشکلات زندگی فرامی خواند.

آتس می گوید: روزی فاطمه علیها السلام خدمت پدر آمد و عرض کرد: یا رسول الله! من و پسر عموم زیراندازی جز یک پوست گوسفند نداریم. شب ها خودمان از آن استفاده می کنیم و روزها علف شترمان را روی آن پهن می نمایم. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: دخترم! صبر کن؛ زیرا موسی بن عمران تا ده سال از روزهای زندگی خود را سپری کرد، در حالی که چیزی جز یک عبا قطوانیه نداشت. 13

فاطمه علیها السلام هنگام سختی ها می فرمود: «یا رسول الله! خداوند را در برابر نعمت هایش ستایش می کنم و بر نعمت های ظاهری اش شکر گزارم.» 14 او ساده زندگی می کرد و از تحمل مشکلات زندگی پرهیز نداشت تا به شیرینی های آخرت برسد. وسایل زندگی حضرت ساده و مهریه اش اندک بود. او آیین خانه داری و همسر داری را به خوبی مراعات می کرد و در زندگی، واقعاً شریک همسرش بود.

گاهی که در خانه غذایی نبود و کودکان گرسنه بودند، فاطمه علیها السلام به علی علیه السلام چیزی نمی گفت و چیزی از او درخواست نمی کرد. او بیم داشت از این که همسرش نتواند خواسته او را برآورده کند و شرمند شود. فاطمه علیها السلام در جواب علی علیه السلام که می فرمود: چرا به من خبر ندادی تا غذایی برای شما تهیه کنم؟ می گفت: ای ابوالحسن! من از خدایم شرم می کنم که تو را به چیزی که بر آن قدرت نداری، تکلیف کنم!

آری، فاطمه علیها السلام در تمام عرصه ها نمونه و الگوست. در خانواده، همدم رنج ها و غصه های شوهر بود و پناه او.

علی علیه السلام می فرمود: وقتی به خانه می آمدم و به زهرا نگاه می کردم، تمام غم و اندوهم برطرف می شد. هرگز کاری نکردم که فاطمه از من خشمناک و ناراحت شود. فاطمه نیز هرگز مرا خشمناک نساخت.

#### 11. حجاب و عفاف

حضرت زهرا علیها السلام هم در سخن، معلم حجاب بود، هم در رفتار، اسوه عفاف. وی عقیده داشت: «بهترین چیز برای زن، آن است که نه مردان نامحرم او را ببینند و نه او مردان نامحرم را.» علی علیه السلام می فرماید: روزی با گروهی از اصحاب، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم بودیم.

آن حضرت به اصحاب فرمود: صلاح و مصلحت زن در چیست؟ هیچ کس نتوانست پاسخ صحیحی بدهد، وقتی که اصحاب متفرق شدند، من به خانه رفتم و موضوع سؤال رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم را به فاطمه علیها السلام گفتم.

فرمود: من جوابش را می دانم:

«صلاح زن در آن است که مردان بیگانه را نبیند و مردان بیگانه هم او را نبینند.»

من هنگامی که خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم رسیدم، عرض کردم: فاطمه علیها السلام در پاسخ سؤال شما چنین فرموده است. پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم سخن پخته و منطقی زهرا علیها السلام را پسندید و فرمود: «فاطمه علیها السلام پاره تن من است.»<sup>15</sup>

البته در توضیح فرموده حضرت زهرا علیها السلام می توان گفت که عدم رعایت پوشش از طرف زنان در جامعه، می تواند فساد مردان را به دنبال داشته باشد که سرانجام این بی مبالائی، به سستی بنیان خانواده و اجتماع خواهد انجامید. پس بهترین، زیباترین و با صفا ترین زندگی برای زنان در پرتو سخن پرمغز زهرا علیها السلام خلاصه می شود که: «صلاح زن در آن است که نه او مرد بیگانه را ببیند و نه مرد بیگانه او را.»

حضرت زهرا علیها السلام همان گونه که فرمود، طبق آن نیز رفتار کرد. تا آنجا حجاب را رعایت می کرد که روزی یکی از مسلمانان به نام «ابن مکتوم» که نابینا بود، به خانه فاطمه علیها السلام آمد. فاطمه از آن اتاق به اتاق دیگری رفت، به او گفتند: ابن مکتوم نابیناست. حضرت فرمود: او نابیناست؛ اما من که نابینا نیستم...!

از وصیت های فاطمه علیها السلام این بود که: «پس از مرگ، بدن مرا داخل تابوتی بگذارید، تا حجم بدنم پیدا نشود.» این شیوه تا آن زمان مرسوم نبود و این وصیت، درسی از عفاف و حجاب و حیا بود که بانوان باید آن را مورد توجه قرار دهند.<sup>4</sup>

## 12. انفاق و ایثار

نمونه بارز انفاق و ایثار آن بزرگوار، بخشش «لباس عروسی» به زن فقیر، آن هم در شب عروسی است.

هنگامی که موکب عروس رهسپار خانه علی علیه السلام بود، زن سائلی پیش آمد، و در برابر عروس اظهار احتیاج به لباس نمود. فاطمه علیها السلام مظهر تقوا و ایثار، همراهان را به دور خود جمع کرد، و بی درنگ «لباس عروسی» را از تن در آورد و به آن زن فقیر بخشید. حضرت با این عمل، دیگری را برخود مقدم داشت. این عمل وی به قدری جالب و این فداکاری، به اندازه ای بزرگ است که تاکنون تاریخ نتوانسته نمونه ای از آن را در خاطره خود ثبت نماید. آری، زهرا اطهر با همان لباس معمولی به خانه شوهر رفت و سند ایثار در چهره درخشان زندگی اش ثبت گردید.<sup>16</sup>

فاطمه علیها السلام و خانواده اش، مأوا بیچارگان و نیازمندان بودند. علی علیه السلام و زهرا سه روز نذر گرفتند و هر سه روز، غذای افطار خود را به یتیم، مسکین و اسیر دادند. خدای متعال در تقدیر از این ایثار خالصانه، که جز به خاطر خدا انگیزه دیگری نداشت، سوره «هل أتی» را نازل فرمود.

## 13. فعالیت های سیاسی - اجتماعی

فاطمه علیها السلام در برابر مسائل سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی، بی تفاوت نبود و پیوسته جبهه حق را یاری می کرد. در صحنه های اجتماعی و دفاع از دین و رهبر، حاضر بود.

حضرت در جنگ اُحُد شرکت داشت و به امدادگری و مداوای زخم های رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم مشغول بود. پس از رحلت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم که خلافت غصب شد و «فدک» را از او گرفتند، همراه زنان بنی هاشم به مسجد آمد و در جمع مسلمانان حاضر، در خطبه ای غرّا که پشت پرده خواند، از بدعت ها، ستم ها، حق کشی ها، فراموش کردن وصیت پیامبر و احیای سنت های جاهلی انتقاد کرد. فاطمه علیها السلام در اثبات حق و مقابله با انحراف در رهبری امت اسلامی، از هیچ کوششی فروگذار نکرد و این امر را تکلیف خود دانست.

گاهی شب ها همراه علی علیه السلام به در خانه مهاجرین و انصار می رفت و حمایت از ولایت و وصیت رسول را در یادها زنده می کرد و آنان را به دفاع از حق شوهرش در مسئله خلافت و حق خودش فرا می خواند، اگرچه جز کلامی سرد و بی مهر نمی شنید!

فاطمه علیها السلام عنایت ویژه ای به مسئله دفاع از امامت و ولایت امام علی علیه السلام داشت و به عنوان یک وظیفه اجتماعی در قالب های مختلف، روی آن اهتمام و جدّیت می ورزید. در مسئله «فدک» آن چیزی که جوهر اصلی کارها و پیگیری های حضرت فاطمه علیها السلام بود، همان دفاع از «حق ولایت حضرت امیرمؤمنان علیه السلام» بود.

حتّی آخرین وصیّت او یعنی تشییع، به خاک سپاری و مخفی نگه داشتن قبر هم در واقع تداوم حضور سیاسی و اجتماعی حضرت زهرا علیها السلام بود. این وصیّت، میزان همدفداری و بزرگواری ایشان را نشان می دهد. تا حضرت زنده بود، علی علیه السلام حامی نیرومندی داشت.

به تعبیر بعضی از بزرگان: «به خاطر فاطمه علیها السلام، حرمت حضرت امیرمؤمنان علیه السلام را تا حدّی پاس می داشتند؛ اما پس از شهادت آن مظلومه، علی علیه السلام تنها و بی پناه و مظلوم تر شد.» در یک جمله، فاطمه، فدایی امامت و رهبریت شد.

اینها و نمونه هایی دیگر از سیره رفتاری آن بانوی بی همتا، جلوه های الگو بودن او برای همه فضیلت خواهان و حق جویان است که در پی «اسوه» و سر مشق «چگونه زیستن» اند.

امید است این خصلت ها و رفتارها، چون تابلویی، پیوسته در برابر دیدگان مان باشد. و اگر همواره آن حضرت را سرمشق و اسوه می دانیم و معرّفی می کنیم، «ابعاد الگویی» او را نیز در قالب سیره عملی و رفتاری حضرتش بشناسیم و بشناسانیم. زیرا این گونه، بهتر می توان مَشی و مرام فاطمی را در بستر زندگی و اخلاق عینی پیاده کرد.

نکته ها

الف) ناگفته نماند آنچه فاطمه علیها السلام را اسوه و نمونه ساخته، کمال انسانی اوست و بدین خاطر، متعلّق به عالم انسانیت است.

ارزش های انسانی، اختصاص به زن یا مرد ندارد و به تبع آن، اسوه های انسانی نیز همین گونه اند.

در یک جمله، فاطمه علیها السلام چنان که اسوه زنان است، اسوه مردان نیز هست. همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم و امامان علیهم السلام این چنین اند.

ب) باید توجّه داشت که سنّت های الهی و قوانین هستی، که قواعد حاکم بر زندگی انسان بخشی از آن است، همه ثابت و غیر قابل تغییرند. رابطه انسان با خدا و با جامعه و طبیعت، رابطه ای است که در جوهر خود از اصول ثابتی تبعیت می کند و قابل تغییر نیست و حضرت زهرا علیها السلام به عنوان زنی که عالم به این ارزش ها بوده و بر طبق موازین الهی و انسانی زندگی می کرده، می تواند الگوی همه انسان ها تا «انتهای تاریخ» باشد.

به عبارت دیگر، همان طور که «دین» امر ثابتی است، «الگو» هم می تواند ثابت و جاودانه باشد؛ لذا زندگی و سلوک آن حضرت همواره برای انسان ها «چه در حال و چه در آینده» اسوه و الگوست.

ج) از خصوصیات اسوه های الهی این است که همواره از سایر افراد بشر در مراتب کمال انسانی پیشقدم هستند و این تقدّم به صورتی است که بشر هرچه در ابعاد مختلف رشد کند، بازهم نمی تواند بی نیاز از آنان باشد. ما انسان ها هرچه سعی و تلاش کنیم، به افق فضائل آنان نمی رسیم و نمی توانیم در حدود آنان و مانند آنها عمل کنیم، ولی باید در محدوده توان و استعداد خود در مسیر آنان حرکت نماییم.

این که می گوئیم فاطمه علیها السلام یا سایر حضرات معصومان علیهم السلام الگوی همگانند، بدان معنا نیست که باید فاطمه علیها السلام یا علی علیه السلام شد، بلکه مقصود «فاطمه وار بودن و فاطمه گونه زیستن» است... .

در سخنی از صادق آل محمّد علیه السلام آمده است: به خدا سوگند! من شما و روح های تان و بوی خوش تان را دوست می دارم. ما را در این جهت با پرهیزکاری و تلاش خود یاری کنید. هرگز به ولایت ما نمی رسید جز با کوشش و تقوا. و کسی که دیگری را به عنوان «امام» و «اسوه» برگزیده است، باید عملش مطابق با عمل او باشد. 17

پی نوشت ها:

1. نور / 35.

2. فاطمه در کلام اهل سنّت، ص 343.

3. مناقب آل ابی طالب، ج 3، ص 338.

4. آل عمران / 42؛ آمالی، صدوق، ص 437.

5. ربیع الابرار، ج 2، ص 104.

6. بحارالانوار، ج 42، ص 31.
7. حجر / 44.
8. اخلاق حضرت فاطمه(س)، ص 17.
9. علل الشرايع، ص 215.
10. نور، / 63.
11. بحارالانوار، ج 43، ص 93.
12. اخلاق حضرت فاطمه(س)، ص 63.
13. احقاق الحق، ج 10، ص 400.
14. سفينة البحار، ج 1، ص 571.
15. كشف الغمّة، ج 2، ص 92. البته در بعضی از روایات آمده امام حسن(ع) سؤال رسول خدا(ص) را از مادرش پرسید و زهرا(س) جواب فوق را داد. ر.ک: وسایل الشیعه، ج 2، ص 9.
16. باقتباس از الوقایع والحوادث، ملیوبی، ج 4، ص 186.
17. ارشاد القلوب، دیلمی، ص 101، چ بیروت.